

**نویسنده:** والدن بیلو (Walden Bello)

**منبع و تاریخ نشر:** کمان دریم «2020-11-10»

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## اوضاع ممکن است قبل از بهتر شدن برای ایالات متحده بدتر شود

*Things May Get Worse Before They Get Better for the U.S.*

برای بسیاری ، برکناری ترامپ یک تسکین است . اما حمایت قاطعانه او در میان رأی دهندگان سفید پوست ؛ حزب وی را در مسیر سقوط با دموکراسی قرار میدهد

*For many, Trump's ouster is a relief. But his steadfast support among white voters puts his party on a crash course with democracy.*



طرفداران ترامپ که خواستار توقف شمارش آرا در پنسیلوانیا هستند ، در تاریخ 05 نوامبر 2020 در پایتخت ایالت در هریسبورگ ، پنسیلوانیا تجمع می کنند. عکس: اسپنسر پلات / گتی ایماژ

من یکی از آن دسته از کپیپیترها (کسی که نگاه میکند و اغلباً بطور گسترده توصیه های ناخواسته می کند) هستم که «جوبایدن» را از راه دور با اکراه حمایت می کنم ، عمدتاً به این دلیل که احساس می کردم هم برای آمریکا و هم برای جهان شرمگتر است و مثل خیلی ها ، نفس راحتی کشیدیم وقتی «بایدن» از مرز «270» رأی انتخابی عبور کرد .

در حالی که نگاهی به شکست انتخابی بر اساس نژاد داشتیم ، جامعه شناسی سیاسی در من حضور پیدا کرد .

«همبستگی سفید پوستان همچنان به طرز نگران کننده ای قوی است و بیش از مخالفت با مالیات ،

مخالفت با سقط جنین و دفاع بی رویه از بازار، اکنون ایدئولوژی تعیین کننده حزب جمهوریخواه است."

سفیدپوستان بیش از «65» درصد از رای دهندگان ایالات متحده را تشکیل می دهند. بررسی ها نشان می دهد که «57» درصد از رای دهندگان سفیدپوست (56 درصد زن، 58 درصد مرد) با وجود همه چیز به دنبال «ترامپ بودند» - سوء مدیریت وحشتناک او در مورد همه گیری، دروغ ها، نگرش ضد علمی، تفرقه افکنی و تجاوز آشکار به ملی گرای سفید پوست گروه هایی مانند نازی ها، کلان و پسران مغرور.

انتلاف انتخابی که پشت پیروزی «بایدن» بود، اقلیتی از سفید پوستان بودند (42 درصد، به احتمال زیاد افراد با تحصیلات بیشتر در سال)، اکثریت قریب به اتفاق رای دهندگان سیاه (87 درصد) و اکثریت بزرگ رای دهندگان لاتین (66 درصد) و رای دهندگان آمریکایی آسیایی (63 درصد). حمایت «ترامپ» در میان سفیدپوستان اساساً همان حمایت سال «2016» بود، با حمایت از زنان برای جبران اندکی کاهش میزان حمایت از مردان. همبستگی سفید همچنان به طرز نگران کننده ای قوی است و بیش از مخالفت با مالیات، مخالفت با سقط جنین و دفاع بی صلاحیت از بازار، اکنون ایدئولوژی تعیین کننده حزب جمهوریخواه است.

چگونه حزب آبراهام لینکلن، نویسنده اعلامیه رهایی، کاملاً مخالف آنچه که وی خواستار آن بود، قرار گرفت؟

## حزب واکنش سفید

در پنج دهه گذشته، ویژگی اصلی سیاست ایالات متحده گسترش یک ضد انقلاب عمدتاً نژاد محور علیه سیاست های مترقی و لیبرال بوده است.

سال «1972»، هنگامی که «ریچارد نیکسون» (جورج مک گاورن) را برای ریاست جمهوری شکست داد، یک حوضه بزرگ بود، زیرا این موفقیت "استراتژی جنوبی" جمهوری خواهان بود هدف «نیکسون» این بود که جنوب آمریکا را از حزب دموکرات جدا کند و آن را در اردوگاه جمهوری خواهان به عنوان یک واکنش در برابر حرکت دموکرات ها برای پذیرش - هر چند متوقف - حقوق مدنی سیاه پوستان، قرار دهد.

از سال «1972»، استعمار نژادپرستانه حزب جمهوری خواه به طور پیوسته پیشرفت کرد، و با «رونالد ریگان»، رئیس جمهور از (1981 تا 1989) به اوج رسید، "سوت سگ" = dog whistle بسیار موثر "ملکه رفاه" بود، از اینکه که سفید پوستان به "زن سیاه پوست با بسیاری از کودکان وابسته به حمایت دولت هستند".

جانشین وی جورج اچ دبلیو بوش (George H. W. Bush) بخاطر سپردن ویا گزیدن به انتخابش مدیون نقش این اتهامی بود که رقیب اش میخایل دوکاکاس (Michael Dukakas) به دلیل لایحه قانونی زندان که وی بعنوان فرماندار از «ماساچوسیت» از آن حمایت کرده بود؛ مسول یک مرد سیاه پوست بنام ویلی هورتون (Willie Horton) که برای تعطیلات اخیر هفته رفته بود از آنجا برنگشت و در عوض مرتکب جرایم دیگری شد.

البته این بدان معنی نیست که افرادی که در این دوره به جمهوری خواهان سرازیر میشوند؛ دلیل دیگری برای این کار ندارند؛ مانند مخالفت با سقط جنین؛ و افزایش مالیات؛ دلایلی مختلفی وجود داشت اما عامل اصلی این مهاجرت سیاسی نژاد پرستی بود.

این پایگاه ویا بیس نژاد پرستی جمهوری خواه که اکثریت آنها هنوز یعنی در دسامبر (2017) معتقد بودند که رئیس جمهور سابق آمریکا «اوباما» در کینیا متولد شده است؛ عامل اصلی «ترامپ» برای ریاست جمهوری در سال (2016) بود (اگرچه سیاست های تجارت آزاد «اوباما» نیز نقش اساسی داشت؛ نقش در هزینه ویا ارزیدن «هیلاری کلنتون» برای رای دهندگان طبقه کارگر سفید پوست در ایالات غربی غیر صنعتی ایالات متحده آمریکا.

## دور شدن از دموکراسی

آنچه «ترامپ» طی چند سال گذشته به عنوان رئیس جمهور مدیریت کرده است نه تغییر در یک صحنه انتخابات از نظر نژادی و قطبی است بلکه بسیج پایگاه نژاد پرستانه او در خارج از انتخابات است، ترکیبی از زبان رمزگذاری شده نژاد سوت سگ با حملات بلاغی به «فناوری بزرگ» و «وال استریت» (و در مورد مورد دوم، فقط چند وقت است که پیروان او شروع به تسریع در ریشه مهاجران هندی برخی از اعضای بسیار مشهور دره سیلیکون و نخبگان وال استریت می کنند، مانند مدیر عامل شرکت مایکروسافت ساتیا نادلا و رئیس سابق سی تی گرپ ویکرام پاندیت).  
«تاریخ نشان داده است که وقتی گروه های بزرگ اجتماعی دیگر احساس نکنند می توانند با انتخابات دموکراتیک پیروز شوند، وسوسه راه حل های خارج پارلمانی بسیار وسوسه انگیز می شود».  
این همان جایی است که خطر در آن قرار دارد: بسیج فاشیستی یک جمعیت سفیدپوست که از نظر تعداد نسبتاً رو به زوال است.

تاریخ نشان داده است که وقتی گروه های بزرگ اجتماعی دیگر احساس نکنند می توانند با انتخابات دموکراتیک پیروز شوند، وسوسه راه حل های خارج از پارلمان بسیار وسوسه انگیز می شود. در حالی که جمعیت اقلیت های کل در ایالات متحده به سمت برابری با تعداد سفیدپوست در طی چند دهه آینده حرکت می کند، ناسیونالیسم سفیدپوستان احتمالاً بیش از محبوبیت کمتری در بین سفیدپوستان در هر سنی و از جنبه های جنسیتی برخوردار خواهد شد.

بسیاری از مردم تعجب می کنند که چرا رهبر اکثریت مجلس سنا، میچ مک کانل و بسیاری دیگر از سگهای برتر جمهوری خواه به «ترامپ» نمی گویند که قبول کند، اگرچه آنها به احتمال زیاد می دانند ادعاهای وی در مورد کلاهبرداری ساختگی است. دلیل این امر این است که آنها به خوبی می دانند که اگر چنین کنند، پایگاه «ترامپ» علیه آنها رو به رو می شود و جاه طلبی های فعلی و آینده آنها را به خطر می اندازد.

در واقع، «ترامپ» به همان اندازه که خالق آن پایگاه است، آفریننده پایگاه خود نیز است. آنچه مفسران لیبرال نمی فهمند این است که نه تنها موردی است که «ترامپ» پایگاه خود را برای اهداف سیاسی شخصی خود شلاق می زند. این است، اما خیلی بیشتر: این پایگاه می خواهد «ترامپ» به جای آنها دروغ بگوید و برای آنها تقلب کند و برای آنها به جهنم برود - و اگر «ترامپ» به کنوانسیون های فرآیند گذار پا بیند با شد، خودش خطر می کند که توسط آنها تکذیب می شود.

آنچه برای مردم «ترامپ» در معرض خطر است، حفظ برتری سفیدپوستان، میراث ماندگار مادی و ایدئولوژیک نسل کشی بومیان آمریکا و بردگی آفریقایی آمریکایی ها است که از عناصر اساسی ایالات متحده آمریکا است. درست همانطور که جنوب مایل بود همه چیز را در جدول تفرقه در سال «1861» به اشتراک بگذارد، یک قسمت بسیار بزرگ - شاید اکثریت پایگاه جمهوری خواهان - احتمالاً اکنون مایل است به روش های خارج از پارلمان متوسل شود تا روند برابری را متوقف کند.  
**حقوق و عدالت برابر برای همه.**

در این ارتباط، کاروان های مسلح طرفدار «ترامپ» که در ماه سپتامبر علیه حامیان Black Lives Matter در پورتلند رژه رفتند، و گروه مسلحی که برای ترساندن کارگران انتخاباتی در هنگام شمارش آرا در شب انتخابات ماریکوپا، آریزونا ظاهر شد، ممکن است انحراف نباشد. اما طعم چیزهای آینده.

کنون مشهود است که استراتژی نوظهور جمهوری خواهان این است که از هرگونه امتیاز رسمی از طرف «ترامپ» خودداری کرده و مراسم تحلیف را تحریم کرده و سپس علیه دولت «بایدن» به عنوان «غیرقانونی» بسیج شده و آن را در چهار سال آینده فلج کند.

من از بیان این موضوع متنفرم، اما حال و هوای موجود در ایالات متحده تقریباً مربوط به وضعیت جنگ داخلی است و ممکن است مسئله ای باشد که یک طرف، نیروهای «ترامپ»، این حالت را به تهدید کننده تر، زشت تر تبدیل کنند.

آیا پیروزی «بایدن» می تواند معادل پیروزی «لینکلن» در انتخابات «1860» باشد ، که باعث شد جنوب سفید پوست از جدایی با هدایت اشراف برده دار حمایت کند؟ سخنان «لینکلن» متأسفانه امروز درست مانند گذشته صدق می کند: "خانه ای که علیه خودش تقسیم شده باشد نمی تواند تحمل کند".



چند سطر در مورد نویسنده :

والدن بلو بنیانگذار و تحلیلگر ارشد فعلی بانکوک Focus on the South South و استاد الحاقی بین المللی جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در بینگهامتون است . وی در سال 2003 جایزه درست معیشت را دریافت کرد ، همچنین به عنوان جایزه جایگزین نوبل نیز شناخته می شود و در سال 2008 به عنوان محقق برجسته جامعه مطالعات بین الملل شناخته شد .

----- **با تقدیم احترامات « 2020-11-16 »**